

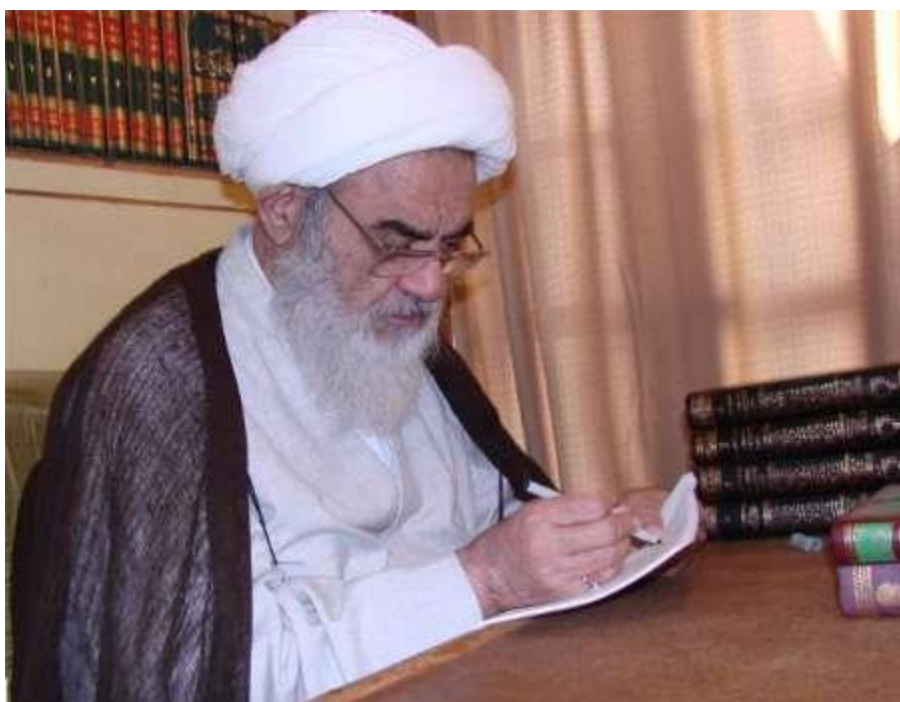
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات

حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

### جلسه یازدهم - غضب



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ أَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

یکی از صفات رذیله که ام المصائب و ام الرذائل است، اینست که انسان غضب کند و غریزه غضب تحریک شود و تسلط بر اعصاب از او گرفته شود؛ خواه ناخواه زبان و گوش و چشمش به دست شیطان داده می شود. در روایت می خوانیم در وقت غضب، شیطان در انسان نفوذ می کند و به قول عوام شیطان در پوست او می رود و این یک شیطان مجسم می شود و هرچه از او برآید، می کند. عقلش نمی تواند کار کند و وجدان اخلاقی او نمی تواند کار کند و خواه ناخواه غریزه غضب، بی کنترل می شود و هرچه از دستش برآید، انجام می دهد. حال اگر آدم جانی باشد، آدم می کشد؛ اگر آدم فحاشی باشد، فحش دادن او شروع می شود. در آن موقع فرقی هم نمی کند، گاهی فحش به خدا و پیغمبر و ائمه طاهرین می دهد و معمولاً اگر دین حساسی داشته باشد، به طرف فحش می دهد. زن به شوهر و شوهر به زن و به بچه ها و بالاخره زبان رکیکی پیدا می کند. و این غضب هرچه از دستش برآید می کند. بعضی اوقات خانه آتش می زند، بعضی اوقات بچه اش را سر می برد؛ لذا ام المصائب و ام الرذائل است و اگر گل کند، جلوی آن را گرفتن، کار بسیار

مشکلی است؛ و انسان باید کار کند تا کم‌کم این رذیله ریشه کن شود. حتی اگر آتش زیر خاکستر هم باشد، در وقتی که ناراحتی برای او جلو آمد، آن آتش زیر خاکستر شعله‌ور و طوفانی می‌شود و همه چیز و حتی آبرویش را آتش می‌زند. اگر نشد دیگری را بکشد، خودش را می‌کشد، اگر نشد دیگری را کتک بزند، خانه‌اش را آتش می‌زند، یا اگر نشد کتک بزند، فحش می‌دهد. انصافاً صفت بدی است و حتی می‌رسد به آنجا که آقا، زنش را کتک می‌زند. یعنی بی‌ادبی به اندازه‌ای می‌شود که علاوه بر اینکه به خانمش جسارت می‌کند، خانمش را کتک می‌زند. در روایت می‌خوانیم اگر کسی کشیده‌ای به خانمش زد، قبل از اینکه به جهنم رود، خدا به خازن جهنم دستور می‌دهد که هفتاد کشیده به او بزند[۱].

در روایات داریم که پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» به حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» گفتند شب معراج دیدم زنی در جهنم به زبان آویزان بودند. این زن با شوهر بدزبان و پرخاشگر بود.[۲] یعنی در وقت غضب به یکدیگر پرخاشگری می‌کردند و زبان رکیک داشتند و پیش بچه‌ها به یکدیگر جسارت می‌کردند. گنااهش اینقدر بزرگ است و اما در حالی که روایت را شنیده، اما اگر غضب کنترل نشود، در وقت ناراحتی طوفانی می‌شود و دست خودش نیست و می‌رسد به آنجا که زبان رکیک دارد و زبانش بی‌ادب می‌شود و دستش بی‌ادب می‌شود و کتک کاری می‌کند و حتی در مقابل بچه‌ها آبروی یکدیگر را می‌برند.

دیدیم افراد با شخصیت که ریاضت دارد و شخصیت اجتماعی دارد، اما در وقتی که غضب کرد، اول آبروی خودش را می‌برد. برای اینکه به قول امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» دیوانه می‌شود.

امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَ الْغَضَبَ فَأَوَّلُهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ[۳]

مواظب باش غضب نکنی و اگر غضب کردی، دیوانه‌ای. دیوانگی که بعدش پشیمانی دارد.

و در روایت دیگری می‌فرمایند:

الْحِدَّةُ صَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ[۴]

امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» می‌فرمایند اگر بعد از غضب پشیمان شد، معلوم می‌شود که نیمچه دیوانه است و اما اگر بعد از غضب از کار زشتش پشیمان نشد معلوم می‌شود که به تمام معنا، دیوانه است .

از این کلمات مقدس نگذرید، اینها کلمات افرادی مثل پیغمبر و امیرالمؤمنین و دیگر ائمه طاهرين «علیهم‌السلام» است. به تجربه هم دیدید افرادی که غضب می‌کنند، دیوانه هستند. چشمش را برهم می‌گذارد و دهانش را باز می‌کند و آنچه که می‌خواهد می‌گوید. گنااهش خیلی بزرگ است. فحش دادن به یکدیگر مجسم می‌شود و به قول پیغمبر اکرم به صورت بدی درمی‌آید.[۵] فحش دادن زن به شوهر و شوهر به زن یا به بچه‌ها. بعضی اوقات غضب خانم گل می‌کند و به بچه کتک می‌زند. کتک زدن به بچه، بچه را عقده‌ای می‌کند و این بچه عقده‌ای یک وقت می‌رسد به آنجا که بزرگ شده اما در سر دیگران می‌زند برای تشفی خاطر برای اینکه مادرش در سر او زده است. بعضی اوقات دیدیم که جنایتکار می‌شود و ریشه‌یابی می‌کنیم و می‌بینیم پدر در خانه ناسازگار بوده و به خانم و بچه‌ها کتک می‌زده و فحش می‌داده و زبانش

دست خودش نبوده و این بچه به طور ناخودآگاه عقده‌ای شده است؛ یعنی این ناراحتی‌ها منتقل شده به ضمیر ناخودآگاه و ناگهان این ضمیر ناخودآگاه غدهٔ سرطانی شده و منفجر می‌شود و منفجر شدن آن اینست که این جوان آدم‌کش و جنایتکار و از اراذل و اوباش می‌شود و این از غضب پدر و مادر در خانه و از کتک زدن مادر و مخصوصاً پدر به بچه سرچشمه گرفته است.

بعضی اوقات ریشه‌یابی کردیم و دیدیم دختر بی‌عفت شده، به خاطر یک تبسم و به خاطر یک حرف شهوت‌آمیز رفته است. می‌بینیم در خانه نوازشی که پدر باید بکند، نکرده و از ضمیر آگاه به ضمیر ناخودآگاه رفته و عقده شده و بزرگ شده و الان دل او نوازش می‌خواهد و خیال می‌کند که نوازشش اینست که یک مرد نامحرم او را نوازش کند. این یک دختر بی‌عفت و یک پسر بی‌عفت می‌شود.

غضب خیلی بد است و گفتم که ام المصائب و ام الرذائل است و متأسفانه الان چون پیش از نود درصد مردم ضعف اعصاب دارند و یکی از ابزار مهم این ضعف اعصاب، غضب است؛ و متأسفانه جامعهٔ ما الان غضبناک شده است. در برخی اداره‌ها می‌بینیم که غضب سرتاپای این اداره را گرفته است. همان دربان، سالم و با تطف و مهربانی با دیگران حرف نمی‌زند و آن راهنما و دربان اطاق هم بدتر و وا مصیبتا که برویم سر میز مدیر. این مدیر اعصابش ضعیف است و مخصوصاً اینکه روزه هم باشد و باید تلاقی آن را در دل ارباب رجوع دریاورد! این خیلی خطرناک است؛ لذا بعضی اداره‌های ما سرتا پا غضب است.

در اجتماع نیز همینطور است. در ترافیک‌ها می‌بینیم که چه فحش‌ها به یکدیگر می‌دهند. ای آقا تو مسلمانی چرا بدزبانی می‌کنی! اگر یک اتومبیل یک ثانیه دیر کند، چه بوق‌هایی بر سرش می‌زنند. جوان و پیر و با شخصیت و بی‌شخصیت هم ندارد. می‌بینیم که اجتماع ما به جای اینکه همدیگر را مثل برادر دوست داشته باشند، اما همه دشمن هم هستند. همدیگر را نمی‌شناسند اما دشمنی کولاک می‌کند. اینها زشت است.

حتی رسیده به اینجا که همین غضب‌ها و اختلاف‌ها، به طلاق کشیده شده است. در حالی که اصلاً طلاق نباید در جامعه باشد و اگر طلاق در جامعه واقع شد، دلیل بر انحطاط این جامعه است.

جوان‌ها! من هیچ فراموش نمی‌کنم که در همین اصفهان طلاق منحصر بود به محضر حضرت آیت الله اشنی و ایشان چون علاقهٔ خاصی به من داشت، می‌گفت باید من شاهد طلاق باشم. من در قم بودم و وقتی از قم می‌آمدم، ایشان هم در سال پنج شش تا طلاق داشتند و پیش من می‌خواندند. اصلاً طلاق در اصفهان نبود و این نزاع‌ها و غضب‌ها نبود و این اختلاف‌هایی که گناهش بزرگ است، وجود نداشت. بعضی اوقات زن بی‌عفت بود و مرد مجبور بود به خاطر بی‌عفتی او را طلاق دهد یا مرد آدم جنایتکاری شده بود و زن مجبور بود که طلاق بگیرد. اما الان می‌بینیم که بسیاری از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود و این از غضب سرچشمه می‌گیرد. اگر عفت و نجابت را مجسم کنند یک خانم می‌شود اما الان برخی خانم‌ها در خانه چه پرخاشگری‌ها دارند و اصلاً به دنبال اینست که طلاق بگیرد و دوباره شوهر کند و یک تجارت کند. آقا هم بدتر از این خانم. می‌رسد به آنجا که زن رفیق پیدا می‌کند و شوهر هم رفیق پیدا می‌کند و منجر به طلاق می‌شود. معمولاً این طلاق از غضب سرچشمه می‌گیرد. اول، یک توگفتن بیشتر نیست، اما کم کم به پرخاشگری‌ها و فحش دادن‌ها و کتک‌کاری‌ها می‌رسد و بالاخره در آخر کار به طلاق می‌رسد. این دیوانگی است؛

«إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَأَوَّلُهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ»

«الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ»

آدم پرخاشگر، دیوانه است. وقتی غضبش تمام شد، باید پشیمان شود و اگر پشیمان نشد، یک دیوانه به تمام معناست.

خانه‌های ما پر از غضب است و جامعه ما پر از غضب است، اداره‌های ما پر از غضب است و حتی رسیده به آنجا که آقایی مهمانی می‌کند برای اینکه ثوابی ببرد و قوم و خویش را جمع کند و به مردم افطاری بدهد اما در مهمانی غضب شروع می‌شود و به یکدیگر فحش می‌دهند و تهمت می‌زنند و جلسه مردم را سیاه می‌کنند. گناه اینها خیلی بزرگ است. علاوه بر اینکه هشتاد یا نود درصد این حرف‌ها یا دروغ است یا تهمت یا غیبت است یا آبروریزی است و اگر خیلی هم تقدس جلسه و مسلمان‌ها را حفظ کنیم، یک کارها و حرف‌های بی‌هوده است. بهشت می‌گوید من از آن کسی هستم که بی‌هوده‌گو نباشد. لذا الان مهمانی‌ها غضب شده و جامعه هم غضبناک شده است. خانه‌هایمان نیز غضبناک شده است و اینها به مسلمانی نمی‌خورد.

مسلمان یعنی آنکه صد درصد تسلط بر اعصاب دارد. کسانی هم که تسلط بر اعصاب نداشته باشند، حق ریاست ندارند. بزرگان می‌گویند اگر می‌خواهی کسی را امتحان کنی، اینطور امتحان کن که مثلاً جای او را ناراحت کنی. اگر از میدان به در رفت، بدان که لیاقت ریاست ندارد و تسلط بر اعصاب ندارد و اگر از میدان به در نرفت و توانست نمره بیاورد، حق ریاست دارد.

اما مثلاً غذای سحر شور شده و آقا چه بازی در می‌آورد، یا نتوانسته افطار را صد درصد مهیا کند یا این آقا مقداری دیر آمده است، آنگاه چه وضعی پیش می‌آید. به این نمی‌توان گفت مسلمان. این شخص کسی است که تسلط بر اعصاب ندارد و شخصیت ندارد و آدم بی‌شخصیت باید به جهنم برود. ما باید روش را از پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» و ائمه طاهرین «سلام الله علیهم» یاد بگیریم.

پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» در خانه ایستاده بودند و با عایشه حرف می‌زدند. یکی از یهودی‌های متقلب مثل صهیونیست‌ها رد می‌شد. به جای سلام علیکم گفت سام علیکم، یعنی شمشیر بر تو باد. سلام علیکم سه چهار معنا دارد و یکی از معنایش درود بر شماست. سام علیکم یعنی مرگ بر شما باد. پیغمبر اکرم فرمودند علیکم. یعنی اگر شمشیر گفتم، بر خودت و اگر درود گفتم، از خودت باشد. اینها مثل اینکه توطئه کرده بودند. یهودی دومی آمد و گفت سام علیکم، حضرت فرمودند علیکم. سومی هم آمد و گفت سام علیکم. عایشه نتوانست صبر کند و گفت: «يَا إِخْوَةَ الْقَرْدَةِ وَالْخَنَازِيرِ»؛ یعنی ای برادران میمون‌ها و خوک‌ها. پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» ناراحت شدند و گفتند عایشه! چرا فحش دادی؟ گفت آنها غلطی کردند و من هم جوابشان را دادم. پیغمبر فرمودند: این فحشی که دادی مجسم می‌شود و صورت بدی به خود می‌گیرد. [۶] آدم فحش بده به صورت بدی وارد صف محشر می‌شود. فحش‌ها هم به صورت بدی اطرافش را می‌گیرد و انسان باید در زبان مؤدب باشد. این فقط گوشه‌ای از سیره پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» است. اصلاً یکی از چیزهایی که دین اسلام را تقویت کرد، همین اخلاق است. مشهور شده که می‌گویند تقویت اسلام به سه چیز است: اول: گذشت و ایثار و فداکاری حضرت خدیجه؛ دوم: پیروزی‌های امیرالمؤمنین علی «سلام الله علیه» در جبهه. برای اینکه هشتاد و چهار جنگ برای پیغمبر جلو آوردند. پیغمبر دنبال جنگ نبود و عفو

بود، اما هشتاد و چهار جنگ روی دست پیغمبر اکرم گذاشتند و در همه این جنگ‌ها به واسطه امیرالمؤمنین علی «سلام‌الله‌علیه» پیروز بودند. همه گفتند، چه سنی و چه شیعه و چه دشمن و چه دوست، و سوّم: اخلاق پیغمبر.

این سه چیز را در کنار هم گذاشتند. پیروزی امیرالمؤمنین در جبهه‌ها، مال حضرت خدیجه که اگر مال حضرت خدیجه نبود، در آن سیزده سال در مکه، حتماً پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» نمی‌توانست پیشرفت کند. و اما دوش به دوش این دو، اخلاق پیغمبر بود:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ» [۷]

هرکسی بهشت می‌خواهد و هرکسی خدا می‌خواهد و هرکسی راحتی روز قیامت می‌خواهد باید از پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» سرمشق بگیرد. سرمشق ما که نمی‌تواند مثل پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» باشد بلکه مثل اینست که معلم سرمشق دهد و بچه با خط بدی بنویسد، اما شباهتی به آن سرمشق داشته باشد.

ما نباید در خانه، غضب داشته باشیم، بعضی اوقات می‌بینیم که پسر با پدر قهر می‌کند. این از اسلام بیرون رفته است، ولو اینکه پدر هم تقصیر داشته باشد. مگر می‌شود در مقابل پدر و مادر قهر کرد. بعضی اوقات می‌بینیم که در جامعه مسلمان است و روزه است و برای نماز می‌رود، اما پرخاشگری می‌کند. این شباهت به پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» ندارد.

امیرالمؤمنین علی «سلام‌الله‌علیه» را چقدر اذیت کردند، مخصوصاً خوارج نهروان. در شعری منسوب به ایشان آمده است:

و لَقَدْ أَمُرُّ عَلَى اللَّئِيمِ يَسُبُّنِي

فَمَضَيْتُ ثُمَّتُ قُلْتُ لَا يَغْنِينِي

من رد می‌شدم و دیدم آدم لئیم و پستی به من فحش داد. من نادیده گرفتم و گفتم با من نیست. اصلاً انسان باید نادیده بگیرد. اگر غضبی در خانه آمد، خانم و آقا باید آن صحنه را ترک کنند و با سکوتش قضیه را تمام کند. با سکوت در مقابل افراد پست، مطلب تمام می‌شود. امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» از این فحش شنیدن‌ها و جسارت‌ها زیاد داشتند مخصوصاً در پنج سال حکومت؛ اما با نادیده گرفتن و با جوانمردی و سعه صدر، همه آنها را پشت سر گذاشتند.

مئة ائمة طاهرين «سلام‌الله‌علیهم» چنین هستند. این قضیه را از امام دوم شنیده‌اید که آقا رد می‌شدند، غریبه‌ای آمد دهنه قاطر حضرت مجتبی «سلام‌الله‌علیه» را گرفت و بنا کرد به فحش دادن. آقا هم به او نگاه می‌کردند. وقتی حرف‌هایش تمام شد، فرمودند تو را چه شده است؟ اگر خسته‌ای بیا برویم به خانه و از خستگی درآی. اگر غم و غصه‌ای داری، بیا تا غم و غصه ات را بردارم. اگر بی منزلی، ما منزل داریم و به منزل ما بیا. بالاخره او را از دیوانگی بیرون آوردند و او را به خانه بردند و از او پذیرایی کردند. این وقتی خواست برود، در حالی که قبلاً یکی از دشمن‌های اهل بیت بود، اما اینک یکی از عاشقان اهل بیت شده بود. گفت: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»؛ خدا می‌داند که شما اهل بیت دارید که امام باشید. [۸] بالاخره آقا کسی را ساخت و با تَلَطُّف و مهربانی درست شد.

من از همه شما تقاضا دارم اگر کسی در مقابل شما دیوانه شد و بعد از شما عذرخواهی کرد،  
صددرصد عذرخواهی او را بپذیرید و به رخ او نکشید.

ما باید با تلافی و مهربانی بچه‌هایمان را بسازیم. خانم، شوهر را و شوهر هم خانم را با تلافی و  
مهربانی بسازد. دیروز گفتم قرآن می‌فرماید اول عفو و بعد می‌فرماید این کم است و به دل نگیر و  
باز می‌فرماید این کم است، بلکه اگر او بدی کرد، تو خوبی کن. به این مرد می‌گویند. مرد و  
مسلمان آن نیست که غضب از کسی ببیند و این هم غضب کند. آنگاه هر دو دیوانه می‌شوند و  
ناگهان چه مصائبی جلو می‌آید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

- ۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.
- ۲- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰.
- ۳- تصنیف غرر الحکم، ص ۳۰۳.
- ۴- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۵.
- ۵- الکافی، ج ۲، ص ۶۴۸.
- ۶- الکافی، ج ۲، ص ۶۴۸.
- ۷- الاحزاب، ۲۱: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن  
کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد».
- ۸- مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۱۹؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۴.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی معظم له

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir>